



A Reflection on the Jurisprudential Foundations of Iranian Article 562 of the Islamic Penal Code (2014)

Abdul Khaliq Fasihi¹ , Ahmad Haji Dehabadi² ,
and Seyyid Hassan Vahdati Shobeiri³ 

1. *Corresponding Author*, PhD Graduate in Jurisprudence and Judicial Law, Field of Study: Criminal Law and Criminology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. Email: fasihi55@gmail.com
2. Professor of Criminal Law and Criminology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran. Email: adehabadi@ut.ac.ir
3. Associate Professor, University of Qom, Qom, Iran. Email: vahdati11@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received
08 June 2023
Received in revised form
06 July 2023
Accepted
17 August 2023
Available online
21 December 2024

Keywords:

arsh al-jināyat (monetary compensation for injuries),
diyah (blood money),
taṣṣīf al-diyah (halving of diyah for women),
mabānī al-fiqhī (jurisprudential foundations),
article 562 of the islamic penal code

ABSTRACT

Article 562 of the 2014 Islamic Penal Code (IRI) represents an innovation that resolves ambiguities regarding arsh al-jināyat (monetary compensation for injuries or indemnity given in case of someone's injury by another) for women, which were previously unaddressed. This article establishes equality between men and women in arsh al-jināyat. This contrasts with Article 449 of the same code, which extends fixed diyah (blood money) regulations to arsh al-jināyat, potentially including the rule of taṣṣīf al-diyah (halving of diyah for women). Article 562, therefore, is an exception to Article 449, and the taṣṣīf al-diyah rule does not apply to arsh al-jināyat for women, resulting in equality with men. While explicit statements regarding the equality or inequality of arsh al-jināyat between women and men are absent in Imāmī juristic works, analyzing general principles from the chapter on diyah, arguments concerning mu'āqalah (shared responsibility in diyah payments) up to one-third of the full diyah, and related istiftā'āt (legal inquiries) reveals three viewpoints: 1) Absolute inequality in arsh al-jināyat between women and men; 2) Absolute equality; 3) Adherence to the taṣṣīf al-diyah rule for women. This research indicates that Article 562 adopts the view of absolute equality, a progressive step towards gender equality that diverges from the dominant view of contemporary Imāmī jurists. This approach avoids additional financial burdens on the bayt al-māl (house of wealth or public treasury), as the difference would need to be compensated from the fund for bodily injury compensations based on Article 551 if a woman's arsh were half that of a man.

Cite this article: Fasihi, A. K., Haji Dehabadi, A., & Vahdati Shobeiri, S. H. (2024). A Reflection on the Jurisprudential Foundations of Iranian Article 562 of the Islamic Penal Code (2014). *Studies of Islamic Jurisprudence and Basis of Law*, 18 (2), 121-135. <http://doi.org/10.22034/fvh.2023.16143.1777>





تأملی بر مبانی فقهی ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

عبدالخالق فصیحی^۱، احمد حاجی ده‌آبادی^۲، و سید حسن وحدتی شبیری^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق قضایی گرایش جزا و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. رایانامه: fasihi55@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: adehabadi@ut.ac.ir

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: vahdati11@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱	از نوآوری‌های ق.م.ا. ۱۳۹۲ ماده ۵۶۲ آن است که به اختلافات ناشی از سکوت ق.م.ا. سابق درباره ارش جنایت زنان پایان داد. مطابق این ماده، ارش جنایت زن و مرد برابر است. این در حالی است که ماده ۴۴۹ قانون مذکور مقررات دیه مقدر را در مورد ارش جنایت نیز جاری می‌داند و تنصیف دیه مقدر زنان از مصادیق این مقررات محسوب می‌شود. بنابراین ماده ۵۶۲ استثنایی است بر ماده ۴۴۹ و قاعده تنصیف دیه شامل ارش جنایت زنان نمی‌گردد و در ارش جنایت زنان، حکم به برابری با مردان می‌شود. در آثار فقیهان امامیه، راجع به برابری یا عدم برابری ارش جنایت زنان با مردان، بیان صریحی نیامده است، اما با تجزیه و تحلیل عمومات باب دیات، ادله قاعده معافله دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل و استثنائات مرتبط، می‌توان به سه دیدگاه دست یافت: (۱) عدم برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد؛ (۲) برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد؛ (۳) تبعیت از قاعده تنصیف دیه زن در ارش جنایت زن. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ از میان سه دیدگاه، دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت را پذیرفته است. انتخاب این دیدگاه، هرچند گامی به‌سوی تساوی حقوق زن و مرد است، با دیدگاه مشهور فقیهان معاصر امامیه سازگار نیست. اما این حسن را دارد که از تحمیل بار اضافه بر بیت‌المال جلوگیری می‌کند، چراکه اگر ارش زن نصف ارش مرد باشد، آنگاه بر اساس تبصره ماده ۵۵۱ ق.م.ا. معادل تفاوت می‌بایست از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت شود.
کلیدواژه‌ها: ارش جنایت، دیه، تنصیف دیه زن، مبانی فقهی، ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی	
استناد: فصیحی، عبدالخالق؛ حاجی ده‌آبادی، احمد؛ و وحدتی شبیری، سید حسن. (۱۴۰۳). تأملی بر مبانی فقهی ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. <i>مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق</i>، ۱۸ (۲)، ۱۳۵-۱۲۱. http://doi.org/10.22034/fvh.2023.16143.1777	



مقدمه

واکنش نظام جزایی اسلام در قبال جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد در برخی موارد دیه است. دیه در یک تقسیم‌بندی به دیه نفس و اطراف (اعضاء) تقسیم می‌شود (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص. ۲۰). دیه اطراف یا مقدر است یا غیرمقدر. در ادبیات فقهی امامیه دیه اطراف غیرمقدر، ارش نامیده شده است (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج. ۵، ص. ۵۷۱). فقیهان امامیه با تتبع در احکام دیات اصول و قواعدی را از آن استخراج کرده‌اند که قاعده تصنیف دیه زن در صورت رسیدن به یک سوم دیه کامل مرد در زمره آن‌هاست (نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۴۳، ص. ۳۵۲). قدر متیقن جریان قاعده یادشده در دیه مقدر است. اما جریان قاعده در دیه غیرمقدر یا ارش چه حکمی دارد؟ قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲ به تصنیف ارش جنایت پرداخته است که مفاد آن برابری زن و مرد در ارش جنایت است. به عبارت دیگر، قاعده تصنیف دیه زن در صورتی که به یک سوم برسد در ارش جنایت جاری نمی‌شود. ماده مذکور از ابتکارات و نوآوری‌های تدوین‌کنندگان قانون یادشده است و در قوانین گذشته اثری از مفاد آن نیست. در دوران حاکمیت قانون مجازات اسلامی سابق، برخی قضات برای ارش جنایت اعضا و منافع به ماده ۳۰۱ قانون مذکور مراجعه و استناد می‌نمودند که مقرر می‌داشت: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد؛ در آن صورت، دیه زن نصف دیه مرد است.» از آنجا که در ماده ۳۰۱ از ارش جنایت به صراحت سخن نرفته بود، ماده مذکور تحمل بار برداشت‌های گوناگون را داشت. عدم طرح مسئله در آثار فقیهان گذشته و معاصر نیز مزید بر علت بود.^۲

مبنای قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران فقه امامیه است. قانون مجازات اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. از همین روی، در این پژوهش در پی یافتن مبنای فقهی ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر برابری ارش جنایت زنان با مردان هستیم. به نظر می‌رسد فقیهان امامیه بیان صریح و روشنی درباره تصنیف ارش جنایت زنان ندارند اما با تجزیه و تحلیل عموماً باب دیات، ادله قاعده معاقله

۱. ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی: در موارد ارش فرقی میان زن و مرد نیست لکن میزان ارش جنایت وارده بر اعضا و منافع زن نباید بیش از دیه اعضا و منافع او باشد، اگرچه مساوی با ارش همان جنایت در مرد باشد.

۲. به عنوان نمونه اختلاف برداشت از ماده ۳۰۱ شعبه ۴ و ۸ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی منجر به صدور دو حکم متفاوت شد. شعبه ۴ قاعده تصنیف را در ارش جنایت جاری نمی‌دانست به خلاف شعبه ۸ که مقررات دیه مقدر در دیه غیرمقدر را جاری می‌دانست. تشتت آرا پای دیوان عالی کشور را به میان کشید. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ با تأیید دیدگاه شعبه ۸ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی با اکثریت قریب به اتفاق نظر دادند که میان دیه و ارش تفاوتی وجود ندارد. جدای از رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور تا قبل از تدوین ماده ۵۶۲ ق. م. ا. م. ۱۳۹۲ در این که تصنیف دیه شامل ارش جنایت می‌شود یا خیر میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود داشت (زارعت، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۶۰۸). با تصویب ماده ۵۶۲ رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور نسخ شد و اختلاف نظر درباره شمول و عدم شمول تصنیف دیه نسبت به ارش جنایت خاتمه یافت. قانونگذار در ماده ۵۶۲ به صراحت دیدگاه عدم شمول را پذیرفته و قاعده تصنیف دیه زن در صورتی که به یک سوم دیه کامل مرد برسد را در ارش جنایت بر اعضا و منافع جاری ندانسته است. ماده ۵۶۲ استثنایی است بر ذیل ماده ۴۴۹ که مقرر می‌دارد: «مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شود.»

دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل و همچنین استفتائاتی که در این زمینه شده است می‌توان مبانی فقهی ماده مذکور را به دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت مستند کرد.

پیشینه پژوهش

کتاب‌های دیه و ارش نوشته مجید جمشیدی (۱۳۹۴)، ارش و مصادیق آن در پرتو قانون و رویه قضایی اثر عاطفه زاهدی (۱۳۹۵)، دیه مقدر و غیرمقدر تألیف محمود روزبهانی (۱۳۹۴) و قواعد فقه دیات نوشته احمد حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۴) ارش جنایت را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند، اما به ارش جنایت زنان نپرداخته‌اند. همچنین پایان‌نامه‌های وجه اشتراک و افتراق دیه و ارش در فقه و حقوق ایران به قلم جلیل کریمی (۱۳۹۱)، چالش‌های دیه و ارش در فقه و حقوق موضوعه اثر رضا کشفی کمال (۱۳۹۲) و بررسی ارش و موارد آن در احکام جزایی فقه امامیه و حقوق کیفری ایران اثر محمدحسین فرخی (۱۳۹۰) نیز ارش جنایت را مورد پژوهش قرار داده‌اند، اما بررسی ارش جنایت زنان در آن‌ها مغفول مانده است. در میان مقالات منتشرشده در این زمینه مقالات محمد علیجورکویه و سیدمحمدحسن مرعشی در مجله مطالعات راهبردی زنان (۱۳۸۵) شماره ۳۲ قابل یادآوری‌اند. هر دو مقاله در فضای حاکمیت قانون مجازات اسلامی سابق تدوین شده‌اند و سال‌ها زیادی از انتشار آن می‌گذرد. علیجورکویه (۱۳۸۵) در تلاش است تا از رأی وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ دفاع نماید و معتقد به تنصیف ارش جنایت زنان است. مقاله مرعشی (۱۳۸۵) نیز از رأی وحدت رویه یادشده انتقاد می‌کند، ولی از استدلال فقهی کمتر استفاده کرده است. از دیگر مقالات در زمینه ارش جنایت مقاله احمد حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۹) در مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز است. در این مقاله به شیوه و متصدی تعیین ارش جنایت اشاره شده است اما به بحث ارش جنایت زنان پرداخته نشده است. با توجه به آنچه گفته شد، آثاری که در زمینه ارش جنایت نگاشته شده‌اند یا اصلاً به موضوع ارش جنایت زنان نپرداخته‌اند و یا اگر پرداخته‌اند به صورت گذرا و آن هم در فضای قانون مجازات اسلامی سابق و در رد و یا تأیید رأی وحدت رویه شماره ۶۸۳، درحالی‌که ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویکرد دیگری پیش گرفته است و ارش جنایت زنان با مردان را برابر دانسته است و تکلیف میزان و مقدار آن را نیز در اعضای که دیه مقدر دارند، مشخص نموده است.

مفهوم‌شناسی

از آنجا که در پژوهش‌های علوم انسانی روشن کردن مفاهیم و تعریف واژه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است، مقاله حاضر نیز با درک این اهمیت برای به دست دادن زبانی مشترک و هم زمینه‌چینی برای ورود به اصل بحث به تعریف پاره‌ای از مفاهیم که شناخت آن‌ها در فهم بیشتر و بهتر مقاله کمک می‌کند، پرداخته است.

ارش

ارباب لغت برای واژه ارش سه معنا ذکر کرده‌اند. نخست آن را به معنای دیه دانسته‌اند: «الارش الدیه» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۶). معنای دیگری که در برخی کتاب‌های لغت برای ارش ذکر شده، دیه

جراحت است: «ارش: دية الجراحة» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۱۱۶؛ جوهری، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۹۹۵؛ محمود، بی تا، ج. ۱، ص. ۱۳۳). وجه تمایز دو تعریف بالا در این است که بر پایه تعریف دوم ارش به جراحات اختصاص می یابد و دية نفس را در بر نمی گیرد. این منظور معنای سومی برای ارش ارائه کرده است. او معتقد است که ارش تنها شامل جراحاتی می شود که مقدار دية آنها معین نشده است. او همچنین حمل ارش بر هر جراحتی چه مقدار آن معین شده باشد و چه نشده باشد را شاذ می داند: «الارش من الجراحات ما ليس له قدر معلوم وقيل: هو دية الجراحات» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۶، ص. ۲۶۳). به نظر می رسد در مقام داوری میان معنای موسع و مضیق واژه ارش، حق با طرفداران معنای موسع باشد. زیرا ارش در برخی روایات در دية معین نیز به کار رفته است (کلینی، ۱۴۲۹، ج. ۷، ص. ۳۳۳).

معنای اصطلاحی ارش از معنای لغوی آن چندان دور نیفتاده است. بیشتر فقیهان امامیه ارش را دية جنایت بر کمتر از نفس در صورتی که مقدار آن در شرع نیامده باشد تعریف کرده اند. تعریف مذکور به ویژه پس از محقق حلی در ادبیات فقهی امامیه رایج شد. او به صراحت می نگارد که هر جنایتی که دية آن مقدار نباشد، در آن ارش است: «کل ما لا تقدير فيه فیه الأرش» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج. ۴، ص. ۲۴۴؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۵۷۱؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج. ۴، ص. ۶۸۴؛ عاملی، ۱۴۴۴، ج. ۴، ص. ۵۲۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج. ۱۴، ص. ۳۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج. ۴۳، ص. ۱۶۸؛ خویی، ۱۴۲۲، ج. ۴۲، ص. ۳۳۰؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج. ۲، ص. ۵۷۰). در برابر تعریف بالا از ارش جنایت تعریف دیگری نیز در منابع فقهی دیده می شود که ارش را دية جنایت کمتر از نفس معنا کرده است، چه مقدار آن در شرع معین باشد و چه نباشد. نویسنده کتاب کشف الرموز در این زمینه می نگارد: «هرچند محقق حلی ارش را در آثارش برای دية کمتر از نفس که مقدار آن را شرع معین نکرده به کار برده است، ارش معنایی عام دارد و دية مقدر و غیرمقدر کمتر از نفس را در بر می گیرد» (فاضل آبی، ۱۴۰۸، ج. ۲، ص. ۶۲۷).

تفاوت میان معنای نخست ارش جنایت که مشهور فقیهان امامیه ارائه کرده اند، با معنای دوم در این است که بر پایه معنای نخست، ارش جنایت به دية غیرمقدر کمتر از نفس اختصاص می یابد، اما مطابق معنای دوم، ارش جنایت، دية جنایت کمتر از نفس است؛ چه مقدر باشد و چه غیرمقدر. معنای دوم به تعریفی که فقیهان اهل سنت از ارش نموده اند، بسیار نزدیک است (نظام الدین، ۱۴۲۳، ج. ۶، ص. ۲۳؛ مجموعه من کبار اساتذہ الفقہ الاسلامی، ۱۳۹۰، ج. ۳، ص. ۸۴).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۴۴۹ به پیروی از دیدگاه مشهور فقیهان امامیه، ارش جنایت را دية غیرمقدر دانسته است:

ارش، دية غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دية مقدر و با جلب نظر کارشناس، میزان آن را تعیین می کند. مقررات دية مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.

دیه

دیه از مفاهیم مرتبط با ارش است که در کتاب‌های لغت برای آن معانی هلاک، خون‌بها و حق مقتول آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۳۸۳). واژه دیه در قرآن و روایات فراوان به کار رفته است و بخشی از کتاب‌های فقهی نیز به بحث دیات اختصاص دارد (نساء ۹۱-۹۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۱۴). فقیهان برای دیه دو تعریف مضیق و موسع ارائه کرده‌اند.

برخی فقیهان دیه را به‌گونه‌ای معنا کرده‌اند که ارش را نیز در بر بگیرد: «هی المال المفروض فی الجنایة علی النفس أو الطرف أو الجرح أو نحو ذلك» (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۲۲۹). در این تعریف، مالی که در برابر جنایت باید پرداخت گردد، هم دیه معین و هم دیه غیرمعین را در بر می‌گیرد (حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۵۳).

اما برخی از فقیهان دیه را مضیق معنا کرده‌اند به‌طوری که شامل ارش نگردد؛ به عبارت دیگر، آنان دیه را برای مواردی که مقدار آن در شرع معین شده است، به کار برده‌اند: «الدیة مقدار أوجبہ الشارع فی جنایة مضمونة، و یشمل النفس و الطرف» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۹؛ سبزواری، ۱۴۳۰، ج ۲۹، ص ۶۰؛ مامقانی، بی‌تا، ص ۵۱۳).

ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تعریفی موسع از دیه ارائه داده بود: «دیه مالی است که به‌سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی‌علیه یا ولی یا اولیای دم او داده می‌شود». در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز تعریف زیر از دیه ارائه شده است: «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، به‌موجب قانون مقرر می‌شود».

مبانی فقهی تساوی یا عدم تساوی در ارش جنایت زن با مرد

مفاد ماده ۵۶۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ این است که ارش جنایت اعضا و منافع زنان برابر و مساوی با مردان است؛ در این قسمت از پژوهش به دنبال یافتن مبنا و توجیه فقهی ماده مذکور هستیم. در آثار فقیهان امامیه بیان صریح و روشنی درباره برابری یا عدم برابری ارش جنایت زن با مرد دیده نشده است. شاید علت سکوت قانون‌گذار در ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ هم همین بوده باشد (جورکویه، ۱۳۸۵، ص ۳۲). اما شاید بتوان با تجزیه و تحلیل عمومات و اطلاعات باب دیات، ادله قاعده معارضة دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل و همچنین استفتائاتی که در این زمینه شده است، حکم مسئله را تا حدودی روشن کرد. از بررسی مجموع عمومات باب دیات، ادله و استفتائات مرتبط با برابری یا عدم برابری زن با مرد در ارش جنایت می‌توان به سه دیدگاه دست یافت:

- (۱) عدم برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد (بهبخت، ۱۳۸۶، ص ۷۷)؛
- (۲) برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد (نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۲)؛
- (۳) تبعیت از قاعده تنصیف دیه زن در ارش جنایت زن (لنکرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۶۹).

عدم برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد

این دیدگاه را می‌توان به مرحوم آیت‌الله بهجت نسبت داد. بر پایه این دیدگاه، ارش جنایت زن با مرد برابر نیست، حتی اگر کمتر از یک‌سوم دیه کامل مرد باشد. این دیدگاه مدعی است ارش جنایت در زنان همواره نصف مردان است؛ زیرا زن بودن و جنسیت در تعیین میزان ارش جنایت مطمح نظر قرار داده شده است. به عبارت دیگر، ارش زنان از دیه زن که نصف مرد است، محاسبه می‌شود. پاسخ مرحوم آیت‌الله بهجت به دو استفتاء راجع به ارش جنایت در زنان این گمان را تقویت می‌کند که ایشان طرفدار دیدگاه عدم برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت است.

سؤال: با توجه به اینکه دیه زن در جایی که بیش از ثلث دیه باشد، به نصف تقلیل می‌یابد، بفرمایید: اگر مقدار ارش، بیش از ثلث کل دیه باشد، آیا به نصف تقلیل می‌یابد؟

جواب: معنای ارش آن است که پس از ملاحظه نسبت دو قیمت در حال صحت و پس از جنایت، تفاوت از دیه نفس مأخوذ می‌شود (قهرأ دیه در نفس زن ملاحظه می‌شود) (نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۲).

همچنین وی در مقام پاسخ به استفتایی دیگر، قاعده تنصیف را به دیه اختصاص می‌دهد و در ارش جنایت جاری نمی‌داند (بهجت، ۱۳۸۶، ص. ۷۷). از کنار هم گذاشتن این دو استفتاء روشن می‌شود که ایشان طرفدار دیدگاه عدم برابری مطلق است.

این دیدگاه را می‌توان به صحیحۀ ابی مریم مستند کرد. در این روایت، ابی مریم از امام باقر (ع) روایت می‌کند: «جراحات النساء علی النصف من جراحات الرجال فی کل شیء» (طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۱۰، ص. ۱۸۵). این صحیحۀ بیان می‌دارد که جراحات‌های زنان در تمامی موارد نصف جراحات مردان محاسبه می‌گردد. این روایت از جهت سند معتبر و از لحاظ دلالت مطلق و عام است؛ واژه «جراحات» اطلاق دارد، هم شامل جراحات مقدر و هم شامل جراحات غیرمقدر می‌شود، چنان‌که جوهری در تعریف لغوی ارش آورده است: «ارش: دية الجراحة» (جوهری، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۹۹۵). در این روایت از واژه «دیه» استفاده نشده است، بنابراین احتمال اختصاص به دیه مقدر یا دیه کامل منتفی است. از سوی دیگر، عبارت «فی کل شیء» عام است و هم شامل کمتر از یک‌سوم و هم شامل بیشتر از یک‌سوم را می‌شود. بنابراین بر اساس این روایت، ارش جنایت زنان چه کمتر از یک‌سوم باشد و چه بیشتر از یک‌سوم، همواره تنصیف خواهد شد. در روایت آنچه اهمیت دارد، جنسیت و زن بودن است. جنسیت باعث می‌شود جراحات چه مقدر باشد و چه غیرمقدر (ارش جنایت) و چه به میزان کمتر از یک‌سوم باشد یا بیشتر، نصف محاسبه شود.

در مقام ارزیابی دیدگاه عدم برابری مطلق باید گفت: هرچند روایت ابی مریم از نگاه دلالت بر این دیدگاه تمام است، روایات معارضی وجود دارند که پیروی از دیدگاه عدم برابری مطلق را مشکل می‌سازد. این روایات بیشتر تکیه بر عدم برابری بر مازاد بر یک‌سوم دارند و کمتر از یک‌سوم را برابر می‌دانند. به دلیل وجود روایات معارض، روایت ابی مریم حمل بر مازاد بر یک‌سوم دیه شده است: «أقول: هذا محمول علی ما زاد عن ثلث الدية لما مر و تقدم ما يدل علی ذلك هنا و فی دیات الأعضاء و فی القصاص» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۹، ص. ۳۸۴).

بنابراین با توجه به روایات معارض مقیدی که در این زمینه وجود دارد، تمسک به اطلاق و عموم روایت ابی مریم مغایر اصول و مبانی استنباط خواهد بود. بدون در نظر گرفتن سایر روایات، استدلال به روایت ابی مریم تمام است و تنصیف ارش جنایت زنان در همه موارد بلاشکال خواهد بود. اما در مقام افتاء صرفاً بر اساس روایت ابی مریم نمی‌توان اظهار نظر کرد. فراوانی روایات معارض به‌اندازه‌ای است که صاحب وسایل، روایت ابی مریم را حمل بر مازاد بر یک‌سوم دیه کرده است. روایات مقید به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که در آن‌ها از واژه دیه استفاده شده است، مانند روایات ابان بن تغلب و سماعه و دسته‌ای که در آن‌ها واژه جراحات به کار رفته است، مثل روایت حلبی.^۱ روایات مذکور صحیحه ابی مریم را این‌گونه مقید می‌کنند که اگر صدمات و جراحات وارده به زن به ثلث دیه مرد برسد، ارش جنایت زنان تنصیف خواهد شد؛ زیرا بر پایه قواعد اصول فقه در صورت تعارض بین روایت عام و خاص، روایت عام از عمومیت می‌افتد و محتوای روایت عام بر روایت خاص حمل می‌گردد و به این ترتیب تعارض ابتدایی زایل می‌شود. از سوی دیگر، بیشتر فقیهان معاصری که در قالب استفتاء به مسئله پاسخ داده‌اند، به عمومیت روایت ابی مریم عمل نکرده‌اند و با استفاده از روایات مخصوصه قائل به تنصیف شده‌اند.^۲ در نتیجه، دیدگاه عدم برابری مطلق ارش جنایت زن با مرد اثبات نمی‌شود.

برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد

مقام معظم رهبری طرفدار این دیدگاه است. بر پایه این دیدگاه، جنسیت و زن بودن در محاسبه ارش جنایت نقش و جایگاهی ندارد. ارش جنایت زن با مرد مساوی و برابر است، حتی اگر از یک‌سوم دیه کامل مرد تجاوز کند. از میان فقیهان معاصر، مقام معظم رهبری مطابق این دیدگاه فتوا داده‌اند. ایشان در ذیل استفتایی، تنصیف را اختصاص به دیه مقدر داده‌اند.

سؤال: دیه جراحات‌های زن که در صورت به ثلث رسیدن نصف می‌شود، آیا مجموع جراحات‌ها منظور است یا یک جراحات و در این خصوص آیا باید ارش را نیز محاسبه کرد یا خیر؟
جواب: میزان وحدت و تعدد جراحات وارد شده بر اعضاست؛ به‌عنوان مثال، اگر ایراد جرح‌های متعدد، چشم را کور، گوش را کر و دست را شل کند و مجموع دیات زاید بر ثلث دیه مرد باشد، تنصیف نمی‌شود. تنصیف راجع به‌خصوص دیات مقدره است (نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۲).

فراز پایانی استفتای بالا ناظر به دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت است. مقام معظم رهبری در پاسخ استفتای یادشده به‌وضوح بیان داشته‌اند که در ارش جنایت زنان، حکم دیه جاری نیست. از مباحث مهم مطرح در باب دیات و ارش جنایت این است که آیا دیه و ارش جنایت در احکام خود مشترک

۱. روایات مقید در ادامه مقاله در دیدگاه سوم بحث و بررسی شده است.

۲. نظرات این دسته از فقیهان در ادامه مقاله در دیدگاه سوم آمده است.

هستند یا متفاوت. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقررات دیه مقدر را در مورد ارش هم جاری می‌داند.^۱ آیت‌الله صافی گلپایگانی از مراجع معاصر نیز معتقد به اشتراک احکام ديه و ارش جنایت است.^۲ اما پاسخ مقام معظم رهبری به استفتای بالا نشان می‌دهد که ایشان احکام ديه و ارش را مشترک نمی‌دانند یا حداقل در مورد تنصیف ارش زنان آن را نپذیرفته و تصریح کرده‌اند که تنصیف به دیه مقدر اختصاص دارد و شامل ارش جنایت که دیه غیرمقدر است، نمی‌شود.

مستند و مبنای فقهی دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت ذکر نشده است (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ج. ۱، ص. ۲۸۹؛ حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۰). اما ممکن است طرفداران این دیدگاه به مبانى و مستندات زیر استناد کنند:

الف. اصل مساوات و برابری

مساوات و برابری انسان‌ها نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است. بر این اصل، قرآن مهر تأیید زده است. خداوند در آیات متعددی از مساوات و برابری انسان‌ها سخن گفته است. به‌عنوان نمونه در آیه نخست سورة نساء می‌فرماید: «همه افراد انسان از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی از دو انسان مرد و زن آفریده شده‌اند، نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان‌ها هستند، از نوع و طبیعت مشابه آفریده شده‌اند» (نساء ۱).

اصل مساوات و برابری حکم می‌کند که همه انسان‌ها جدا از ویژگی‌های جنسیتی، نژادی، جغرافیایی و... از حقوق و تکالیف همانند برخوردارند، مگر آنکه دلیل معتبر، متقن و محکم‌پسندی عدول از اصل یادشده را توجیه نماید. دانشمندان علم اصول در این زمینه بحثی را مطرح کرده‌اند که آیا امکان تخصیص عمومات کتاب، مانند اصل مساوات و برابری به خبر واحد وجود دارد یا خیر؟ اتفاق متأخران از فقه‌های شیعه و اکثر اهل سنت بر امکان تخصیص عام قرآنی به خبر واحد است. از قدامی امامیه، به سید مرتضی عدم جواز تخصیص نسبت داده شده (علم الهدی، ۱۳۷۶، ج. ۱، ص. ۲۸۰-۲۸۱) و از اهل سنت، عیسی بن ابان (م ۲۲۱) قائل به عدم جواز شده، مگر در موردی که در رتبه قبل با دلیل قطعی دیگری تخصیص خورده باشد که در این صورت تخصیص قرآن به خبر واحد جایز است (آمدی، ۱۴۲۴، ج. ۱، ص. ۵۲۵) و نیز از اهل سنت در این مسئله قاضی ابوبکر توقف کرده است (مکارم شیرازی، بی‌تا). در تنصیف دیه زن، ادله معتبر و متقنی، مانند روایات و اجماع وجود دارد که عدول از اصل و عموم مساوات و برابری را توجیه می‌نماید، اما فقدان ادله معتبر و محکم در استثنا نمودن تنصیف ارش جنایت زن باعث می‌شود تا ارش جنایت زن از اصل مساوات و برابری عدول نکند و مانند مردان محاسبه شود.

۱. ماده ۴۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: ... مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

۲. آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌نویسد: «ظاهراً دیات مقدره و همچنین غیرمقدره که به وسیله ارش معلوم می‌شود و در مواردی که با صلح یا حکم حاکم تعیین می‌گردد، در احکام عامه مشترک می‌باشند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج. ۲، ص. ۳۳۶).

ب. ناظر بودن ادله تنصیف به دیه مقدر

مبنای فقهی دیگری که می‌توان برای دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت مطرح کرد، این است که ادله‌ای که در آن‌ها از تنصیف نام برده شده‌اند، ناظر به دیه مقدر است؛ زیرا در این روایات از تعبیر دیه استفاده شده است که ظهور در دیه مقدر و معین دارد و نیز در آن‌ها تعبیری همچون ثلث و نصف به کار رفته است که در دیه مقدر و معین قابل تصور است. به‌عنوان نمونه روایت سماعه به‌خوبی گویای این مطلب است: «الرجال والنساء فی الدية سواء حتی تبلغ الثلث، فاذا جازت الثلث فانها مثل نصف دية الرجل» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۵۳)؛ همچنین روایت ابان بن تغلب: «ان المراه تعاقل الرجل الی ثلث الدية، فاذا بلغت الثلث رجعت الی النصف» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۸۴).

در روایات بالا تعبیری همچون ثلث، نصف و دیه به کار رفته است که ظهور در دیه مقدر دارند. در دیه غیرمعین (ارش جنایت) کلماتی همچون ثلث و نصف قابل استفاده نیست، به‌دلیل اینکه ارش جنایت دیه معین و مقدر ندارد. بنابراین ادله تنصیف اختصاص به دیه مقدر دارد و شامل ارش جنایت نمی‌شود و در ارش جنایت تفاوتی میان زن و مرد نیست.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ از دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت پیروی کرده است و این دیدگاه را بر دو دیدگاه دیگر ترجیح داده است. از همین رو می‌توان گفت مبنای فقهی ماده ۵۶۲ فتوای مقام معظم رهبری، اصل مساوات و برابری و ناظر بودن ادله تنصیف به دیه مقدر است. مزیت این دیدگاه این است که از تحمیل بار اضافه بر بیت‌المال جلوگیری می‌کند، چراکه اگر ارش زن نصف ارش مرد باشد، آنگاه بر اساس تبصره^۱ ماده ۵۵۱ ق.م.ا. معادل تفاوت می‌بایست از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت شود.

در دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت به دو دلیل استناد شد که به ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم. در این دیدگاه همان‌طور که بیان شد، ممکن است ادعا شود که تنصیف مغایر اصل مساوات و برابری است و تا دلیل معتبری برای عدول موجود نباشد، نمی‌توان از آن اصل بنیادین عدول کرد و در ارش جنایت آن دلیل معتبر و محکم مفقود است. در پاسخ به استدلال یادشده باید گفت: روایات دال بر تنصیف به میزانی فراوان است که از حالت استثنا خارج شده و بدل به قاعده و اصل گشته است و فقها از آن با عنوان قاعده «تعاقل المراه الرجل الی ثلث الدیه» یاد کرده‌اند. نکته‌ای که در قاعده تنصیف باید به آن توجه شود، نسبت قاعده مذکور با روایت ابی مریم است که در آن از واژه جراحات استفاده شده و ارش جنایت را نیز شامل می‌شود. مقتضای روایت ابی مریم تنصیف در کمتر و بیشتر از یک‌سوم است، درحالی‌که قاعده تنصیف در کمتر از یک‌سوم طرفدار برابری دیه و ارش جنایت زن با مرد است. در مقام حل این تعارض از روایت برابری دیه زن با مرد در کمتر از یک‌سوم به‌عنوان مقید روایت ابی مریم استفاده می‌شود.

دلیل دوم دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت این بود که ادله تنصیف ناظر بر دیه مقدر است، زیرا در ادله مذکور از واژه دیه و ثلث و نصف استفاده شده است که با دیه مقدر سازگار و همخوانی

۱. تبصره: در کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

دارد. در مقام پاسخ به این استدلال باید گفت تفحص و جست‌وجو در میان ادله تنصیف نشان می‌دهد که در ادله آن علاوه از لفظ دیه، از لفظ جراحات نیز فراوان استفاده شده است و این استدلال طرفداران برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت را مخدوش می‌کند. زیرا جراحات عام است و شامل دیه مقدر و غیرمقدر هر دو می‌شود. مثلاً روایت ابی بصیر: «جراحات المراه و الرجل سواء» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۹، ص. ۳۸۴) و روایت حلبی: «جراحات الرجال و النساء سواء» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۹، ص. ۱۶۳) و روایت ابی مریم: «جراحات النساء علی النصف من جراحات الرجال فی کل شیء» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج. ۲۹، ص. ۳۸۴) دیگر اینکه استفاده از واژه‌هایی مانند نصف و ثلث اختصاص به دیه مقدر ندارد، این کلمات را در ارش جنایت نیز می‌توان به کار برد.

تبعیت از قاعده تنصیف دیه زن در ارش جنایت زن

در فقه دیات قاعده‌ای با نام «قاعده معاقله دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل» یا «تعادل المراه الرجل الی ثلث الدیه» وجود دارد که مفاد آن این است: «مساوی بودن دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل مرد و نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد از ثلث دیه کامل یا بیشتر از آن» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۴، ص. ۲۷۱).

طرفداران دیدگاه تبعیت ارش جنایت از قاعده تنصیف دیه زن بر این باورند که ارش جنایت نیز مانند دیه تا رسیدن به یک‌سوم دیه کامل مرد میان زن و مرد برابر است و در یک‌سوم و بیشتر از آن ارش جنایت زن نصف می‌گردد. در آثار فقیهان گذشته تصریحی درباره این مطلب دیده نمی‌شود. اما فقهای معاصر در پاسخ به استفتائاتی که از آن‌ها شده است، به اختصار به مطلب بالا پرداخته‌اند:

سؤال - آیا در صدمات وارده بر بدن، حکم ارش با حکم دیه یکی است که در زن اگر به ثلث برسد، برمی‌گردد به نصف؟ جواب - بلی، ارش نیز مانند دیه است؛ یعنی در زنان اگر به ثلث دیه کامل مرد برسد، تنصیف می‌شود (لنکرانی، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۴۶۹).

فقیهانی همچون آیت‌الله مکارم شیرازی، نوری همدانی، صافی گلپایگانی نیز بر همین باورند (نرم‌افزار گنجینه استفتائات قضایی، ۱۳۹۲).

برای این دیدگاه می‌توان به دلیل روایی استناد جست. روایاتی که مستند دیدگاه تبعیت ارش جنایت از قاعده تنصیف‌اند، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول روایاتی که در آن‌ها از واژه دیه استفاده شده است و روایاتی که در آن‌ها از واژه جراحات استفاده شده است. روایت ابان بن تغلب در دسته اول قرار می‌گیرد: «ان المراه تعادل الرجل الی ثلث الدیه فاذا بلغت الثلث رجعت الی النصف» (طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۱۰، ص. ۱۸۴).

روایت سماعه نیز در دسته نخست جای می‌گیرد: «الرجال و النساء فی الدیه سواء حتی تبلغ الثلث فاذا جازت الثلث فانها مثل نصف دیه الرجل» (طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۱۰، ص. ۱۸۴). استناد به این دسته روایات مبتنی و متکی به این پیش‌فرض است که دیه معنایی عام داشته باشد و شامل دیه مقدر و غیرمقدر شود و گرنه روایات بالا نمی‌توانند مستند دیدگاه تبعیت ارش جنایت از قاعده تنصیف شوند.

دسته دوم روایاتی‌اند که در آن‌ها از تعبیر جراحات استفاده شده است، مانند روایت سماعه: «سألته عن جراحة النساء فقال الرجال و النساء فى الدية سواء حتى تبلغ الثلث فإذا جازت الثلث فأنها مثل نصف دية الرجل» (طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۱۰، ص. ۱۸۴). همچنین در روایت حلبی نیز از تعبیر جراحات استفاده شده است: «قال جراحات الرجال و النساء سواء سن المراه بسن الرجل و موضحة المراه بموضحة الرجل و اصبع المراه باصبع الرجل حتى تبلغ الجراحة ثلث الدية فإذا بلغت ثلث الدية أضعفت دية الرجل على دية المراه» (طوسی، ۱۴۰۷، ج. ۱۰، ص. ۱۸۴).

استدلال طرفداران دیدگاه تبعیت ارش جنایت از قاعده تنصیف به روایاتی که در آن‌ها از واژه جراحات استفاده شده است، محکم‌تر و متقن‌تر است؛ زیرا جراحات هم دیه مقدر را شامل می‌شود و هم دیه غیرمقدر را. درحالی‌که در روایات دسته نخست مانع مبنایی وجود دارد و آن تردید در جامعیت معنایی دیه نسبت به ارش جنایت است؛ زیرا اطلاق دیه به ارش جنایت محل اختلاف است.

از میان سه دیدگاه فقهی که درباره ارش جنایت اعضا و منافع زنان مطرح شد، دیدگاه اخیر با اصول و قواعد استنباط بیشتر هم‌خوانی داشته و از مبنای فقهی محکم‌تری برخوردار است و در میان فقیهان معاصر طرفداران بیشتری دارد. اما قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ از این دیدگاه عدول کرده است و دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت را پذیرفته است که در میان فقیهان معاصر طرفداران کمتری دارد.

نتیجه‌گیری

از مباحثی که درباره مبانی فقهی ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح شد، می‌توان به این نتیجه رسید که از نوآوری‌های ق.م.ا. ۱۳۹۲ ماده ۵۶۲ است که به اختلافات ناشی از سکوت ق.م.ا. سابق درباره ارش جنایت زنان پایان داد. مطابق این ماده، ارش جنایت زن و مرد برابر است. در آثار فقیهان امامیه راجع به برابری یا عدم برابری ارش جنایت زنان با مردان بیان صریحی نیامده است. اما با تجزیه و تحلیل عمومات باب دیات، ادله قاعده معاقله دیه زن و مرد تا ثلث دیه کامل و استفتائات مرتبط، می‌توان به سه دیدگاه دست یافت: (۱) عدم برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد؛ (۲) برابری مطلق در ارش جنایت زن با مرد؛ (۳) تبعیت از قاعده تنصیف دیه زن در ارش جنایت زن. قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ از میان سه دیدگاهی که درباره برابری یا عدم برابری ارش جنایت زن و مرد مطرح است، دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت را پذیرفته است. مستند و مبنای فقهی دیدگاه برابری مطلق زن با مرد در ارش جنایت ذکر نشده است. اما ممکن است این دیدگاه به اصل مساوات و برابری و ناظر بودن ادله تنصیف به دیه مقدر مستند شود. انتخاب این دیدگاه هرچند گامی به‌سوی تساوی حقوقی زن و مرد است، با دیدگاه مشهور فقیهان معاصر امامیه سازگار نیست، زیرا آنان طرفدار دیدگاه تبعیت ارش جنایت زنان از قاعده تنصیف دیه زن‌اند. اما این حسن را دارد که از تحمیل بار اضافه بر بیت‌المال جلوگیری می‌کند، چراکه اگر ارش زن نصف ارش مرد باشد، آنگاه بر اساس تبصره ماده ۵۵۱ ق.م.ا. معادل تفاوت باید از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت شود.

منابع

- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مكرم. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. (چاپ سوم). بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۴). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آمدی، سیف الدین. (۱۴۲۴). *الأحكام فی اصول الأحكام*. بيروت: دار الصمیعی.
- بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۶). *جامع المسائل*. (چاپ دوم). قم: دفتر معظم له.
- چورکویه، محمدعلی. (۱۳۸۵). طرح دیدگاه موافق تنصیف ارش مازاد بر ثلث ديه زنان. *مطالعات راهبردی زنان*، (۳۲).
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰). *الصالح - تاج اللغة و صحاح العربیه*. بيروت: دارالعلم للملایین.
- حاجی دهآبادی، احمد. (۱۳۸۴). *قواعد فقه دیات*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حاجی دهآبادی، احمد. (۱۳۹۱). *قواعد فقه جزایی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی عاملی، سید جواد. (۱۳۱۸). *مفتاح الکرامه*. بيروت: دارالتراث.
- خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲). *مبانی تکمله المنهاج*. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۳۰). *مهذب الأحكام*. قم: دارالتفسیر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. (چاپ سوم). تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷). *تهذیب الأحكام*. (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عبدالله مامقانی. (بی تا). *مناهج المتقین فی فقه ائمه الحق و البقین*. بی جا: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰). *قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، علی بن حسین. (۱۳۶۷). *الذریعه إلى اصول الشریعه*. تهران: دانشگاه تهران.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب. (۱۴۰۸). *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد. (بی تا). *جامع المسائل*. (چاپ یازدهم). قم: امیر قلم.
- فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الأحكام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فراهدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). *کتاب العین*. (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*. (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجموعه من کبار اساتذة الفقه الاسلامی. (۱۴۰۸). *موسوعة الفقه الاسلامی المقارن*. قاهره: وزارة الأوقاف المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. (چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محمود، عبدالرحمن. (بی تا). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه*. بی جا: بی نا.

مدنی کاشانی، رضا. (۱۴۰۸). کتاب‌الذیات. قم: جامعه مدرسین.
 مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه. (۱۳۸۱). مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری. قم: بی‌نا.
 معاونت تحقیقات قوه قضائیه. (۱۳۹۲). نرم‌افزار گنجینه استفتانات قضایی.
 مکارم شیرازی، ناصر. (بی‌تا). امکان تخصیص و تقیید قرآن به حدیث؟ آیین رحمت. بازیابی شده از:
[https://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0](https://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&mid=41017&pageindex=2&catid=25445&typeinfo=1)

4

نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (چاپ هفتم). دار احیاء التراث العربی.
 نظام‌الدین و جماعة من العلماء الهند الاعلام. (۱۴۲۳). الفتاوی الهندیة فی مذهب الامام الأعظم ابی حنیفه النعمان.
 بیروت: دار احیاء التراث العربی.

